

## کنگره فدائیان اکثریت

# واقعیات و نیازهای

## ایران امروز

### همین بحث هاست؟

بنا به اطلاع شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران - اکثریت، کنگره دهم این سازمان در بهمن ماه امسال برگزار خواهد شد. از هم اکنون، رسانه های مرکزی این سازمان طرح ها و اسنادی را منتشر می کنند که احتمالاً در کنگره دهم مورد بحث قرار گیرند. براساس این طرح ها می توان طیف دیدگاه های موجود در کنگره آینده را در یکسو از مدافعان برکناری جمهوری اسلامی در همکاری با طرفداران سلطنت تا سوی دیگر، یعنی طرفداران برکناری جمهوری اسلامی و ایجاد یک جمهوری سکولار تشخیص داد. به جز اختلاف بر سر همکاری یا عدم همکاری با سلطنت طلبان، شکاف های دیگری در این سازمان بر سر موضع نسبت به سوسیالیسم و سرمایه داری، چارچوب ائتلاف، نوع حکومت آینده و ... وجود دارد که مجموعاً در ترکیب با یکدیگر وجود چندین گرایش را نشان می دهد. این که کدام یک از این گرایش ها در کنگره آینده اکثریت بدست خواهد آورد از اکنون معلوم نیست و اصولاً مسئله مرکزی کنگره آینده نیز در این بخش نیست، زیرا همه این گرایش های مختلف و متضاد بر سر یک مسئله اساسی با یکدیگر اتفاق نظر دارند و آن هم وحدت بر سر حذف شدن مسائل روز ایران، تحولات ایران، نیروهای تحول طلب داخل ایران از محاسبات آنان است. همه این گرایش ها، به این یا آن شکل، نیروهای تحول خواه داخل ایران را تحت عنوان اصلاح طلب حکومتی و غیرحکومتی دسته بندی می کنند و کنار می گذارند. گویی وجود اصلاح طلبان نشانی از مبارزه مردم و بازتاب این مبارزه از جمله در درون حکومت نیست، بلکه برعکس انعکاسی از بازی حکومت با توده مردم است. همین شیوه نگرش به مسئله اصلاحات در ایران است که طرح ها و برنامه های گرایش های مختلف این سازمان را از جنبش مردم، یعنی نیروی اجتماعی که حامل تحقق خواست ها و برنامه هاست جدا می کند، به بحث میان آنان جنبه اسکولاستیک و تجربیدی می دهد و سرانجام آن را بی سرانجام می کند. به همین دلیل از هم اکنون با قاطعیت کامل می توان گفت که در آنچه به بخش خارج از کشور سازمان اکثریت مربوط می شود، با وضع موجود و در غیاب نیرویی که پرچم توجه به تحولات داخل کشور را در دست داشته و حرکت همگام با مبارزات و دستاوردهای جنبش مردم را طلب کند، غلبه این یا آن گرایش، شاید بر آینده سازمان اکثریت آن هم برای دوره ای و در خارج از کشور اثر گذار باشد، اما فاقد اثر بخشی برای آینده جنبش و تحولات در داخل ایران است.

اما مسئله نوینی که درباره کنگره دهم سازمان فداییان خلق ایران - اکثریت بوجود آمده و اهمیت آن بیش از پیروزی این یا آن گرایش در خارج است، پیدایش، یا دقیق تر، ابراز حضور و اظهار نظر نیرویی است که صدای آن از داخل ایران برخاسته و خود را نماینده بخشی از اعضا و هواداران سازمان در داخل کشور می داند. این گرایش به همان دلیل که در بالا گفته شد، صرفنظر از این که اصلاً حامل چه راه حل و پیشنهاد و تفکری باشد، طرفدار راه رشد سرمایه داری در این مرحله باشد یا سوسیالیسم، از برکناری فوری جمهوری اسلامی دفاع کند یا مدافع تحولات همگام با جنبش مردم باشد، با جهانی سازی سرمایه داری مبارزه کند یا آن را اجتناب ناپذیر بداند و ... همین که از داخل ایران سرچشمه گرفته و نیاز دوباره به برقراری پیوند با داخل ندارد، گرایش تعیین کننده در آینده

این سازمان و اثرگذار بر مبارزه مردم ماست. به همین دلیل دیدگاه های این گرایش توجه ویژه را طلب می کند.

آنچه تاکنون از دیدگاه های فدائیان اکثریت داخل کشور منتشر شده، عمدتاً نگرش های عام بنیادین و تئوریک و نشان دهنده آن است که آنان خواهان گرایش قاطع سازمان در دفاع از راه رشد سوسیالیستی، اتکا به سوسیالیسم علمی، مبارزه با جهانی شدن سرمایه داری، مبارزه با برنامه تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی سرمایه داری و ... هستند که یقیناً بسیاری از نیروهای قدیمی چپ ایران در این عرصه با آنان همگام هستند. این بحث ها تا بدین جا، اگر در حد اعلام موضع بنیادین و روشن کردن دیدگاه های پایه ای اعضای سازمان نسبت به مسایل اساسی جهان و ایران امروز باشد کاملاً قابل تأیید و ضروری است. اما از آنجا که هنوز مواضع این دوستان نسبت به مسئله اصلی، یعنی مشی سیاسی نسبت به تحولات در ایران روشن نشده، خطر اینجاست که روند پژوهش معکوس شود، دیدگاه های برنامه ای جای سیاست روز را بگیرد و قرار باشد از درون این اعلام مواضع بنیادین، خط مشی و استراتژی و تاکتیک بیرون کشیده شود.

در واقع بحث ها و پژوهش های تئوریک و نظری هیچگاه از مسایل استراتژی و تاکتیک انقلابی، یعنی از مستقیم ترین تماس با واقعیت جنبش جامعه و جهان جدا نبوده و نیست. کفایت در این زمینه به تجربه جنبش کمونیستی اروپایی در دهه هفتاد توجه کنیم. در این دهه بود که احزاب کمونیست و کارگری مسئله گذار به سوسیالیسم را بعنوان یک مسئله مشخص در برابر خود طرح کردند. همزمان با طرح این مسئله پژوهش های تئوریک و نظری نیز دقیقاً بررسی این مسئله را در دستور کار خود قرار داد. جلسات و کنگره ها و انتشارات این دهه به بررسی های مفصلی در زمینه جوامع پیشاسرمایه داری یا فئودالی اختصاص یافت که هدف آن روشن شدن این نکته بود که آیا در گذار این جوامع قوانین عامی وجود داشته یا نه که بتوان از آنها در ارتباط با مسئله مشخص گذار به سوسیالیسم بهره برد. بحث های مفصل درباره اندیشه های گرامشی در مورد بلوک تاریخی و سازش تاریخی و تحلیل دولت در همین رابطه پیش کشیده شد. در فلسفه مسئله گذار از کهنه به نو به مسئله مرکزی تبدیل شد و به کشف نحوه تحول تضادهای آشتی پذیر و آشتی ناپذیر و تبیین شیوه های مختلف گذار از کمیت به کیفیت انجامید و ... چنانکه دیده می شود همه این بحث ها و پژوهش های تئوریک، حتی در عرصه های فلسفی که بنظر دور از واقعیت ها و خط مشی جنبش انقلابی بنظر می رسد، برعکس در رابطه با مسئله مشخص استراتژی گذار به سوسیالیسم قرار داشت.

اما آنچه در نوشته ها و تحلیل های فدائیان داخل کشور – مانند بسیاری دیگر، از جمله میان توده ای ها – تا بدین جا که دیده می شود جدا شدن پژوهش های نظری آنان از واقعیت های مشخص جامعه ایران است. بحث تعدیل اقتصادی یا جهانی سازی سرمایه داری بحث هایی است که یک دهه پیش در جنبش چپ جهانی و از جمله در ایران بشدت مطرح بود. صفحات راه توده در سال های ابتدایی دهه هفتاد خورشیدی در این زمینه انباشته از مقالات و بحث های جدی و طرح تجربیات جهانی است. این بحث ها در آن زمان هم تازگی داشت و هم ضرورت. در آن زمان احزاب کمونیست و جنبش چپ پیش از هر چیز می خواست برای خود روشن کند که در کجا ایستاده و به کجا می خواهد برود. اما امروز پس از گذشت یک دهه و آشکار شدن سرنوشت برنامه های تعدیل و جهانی سازی سرمایه داری هر چند تکرار این بحث ها در حد اعلام موضع، کاملاً قابل قبول و حتی لازم است، اما ماندن در همینجا و پایان بحث در همین اندازه، بویژه در شرایط کشور ما، می تواند به اشتباه های بزرگ منجر شود. مسئله اساسی و عمده ای که امروز در برابر جامعه ایران است وسیع ترین اتحاد در

برابر فاشیسم، جنگ و نظامی گری است. طرفداران تعدیل اقتصادی، مدافعان سرمایه داری، معتقدان به جهانی سازی سرمایه داری به شرطی که به حداقلی از ایستادگی در برابر فاشیسم و نظامی گری معتقد باشند در درون این اتحاد قرار می گیرند. گرفتن سمت پژوهش های تئوریک به سوی فقط جهانی سازی سرمایه داری یا تعدیل اقتصادی می تواند موجب شود که در عرصه جهانی نتوان بر تضادهای جهانی سازی انگشت گذاشت و از جمله ضرورت مثلا استفاده از اختلاف میان امریکا و اروپا یا میان آنان با چین و روسیه و ژاپن را - که همگی به نوعی و به شکلی در چارچوب جهانی سازی سرمایه داری عمل می کنند - درک کرد. همینطور که در عرصه داخلی می تواند موجب شود تفاوت میان طرفداران تعدیل اقتصادی، خصوصی سازی و اقتصاد سرمایه داری که طرفدار فاشیسم و جنگ و نظامی گری نیستند با آن بخش که ضمنا طرفدار جنگ و فاشیسم هستند نادیده گرفته شود. جنبش چپ ایران به آن پژوهش و بحث تئوریکی در شرایط کنونی نیاز داشته و دارد که راه های دستیابی به یک اتحاد ضدنظامی گری را به او نشان دهد، موانع آن را اشکار کند، راه غلبه بر این موانع را روش کند.

بنابراین مسئله پیشاوری جنبش انقلابی ایران، در شرایط کنونی، اصلا این نیست که در خارج از کشور می توان و یا باید با سلطنت طلبان متحد شد یا نشد، جمهوری اسلامی را در آروزهای خود به جمهوری سکولار و غیردینی تبدیل کرد یا نکرد، یا فقط آن را برکنار و دمکرات کرد! این بحث را باید به علاقمندان آن در خارج از کشور واگذار کرد. مسئله واقعی که در برابر همه نیروهای تحول خواه در داخل کشور و از جمله فداییان و توده ای ها قرار دارد چارچوب اتحادهای لازم در داخل ایران برای مقابله با جنگ و فاشیسم و نظامی گری است، اتحادی که نه تنها اصلاح طلبان غیرحکومتی بلکه اصلاح طلبان حکومتی و حتی بخشی از غیراصلاح طلبان حکومتی را نیز می تواند در وضعیت مشخص کنونی در بر گیرد. این آن بحث واقعی و تاثیر گذار بر فردای میهن ماست که باید مورد پژوهش بیشتر قرار گیرد و مواضع نیروها پیرامون آن روشن تر شود.

راه توده ۱۲۱ ۰۵،۰۲،۰۷،۲۰۰۷